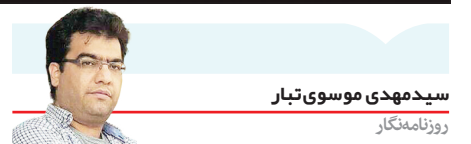




«بچه مهندس ۴» قرار است امید و توانایی‌های نوجوانان و جوانان را تقویت کند اما چرا موفق نشده است؟

ضعف در فیلمنامه افراط در شعار



سید مهدی موسوی تبار روزنامه‌نگار

دیگر از ساختن فصل‌های تازه یک سریال متعجب نمی‌شویم و آمادگی داریم تا فصل دوم هر مجموعه تلویزیونی ساخته و پخش شود. یکی از سریال‌هایی که تنها سه سال از عمرش گذشته و به فصل چهارم رسیده، «بچه مهندس» است. مجموعه‌ای که سه فصل نخست آن توسط علی غفاری ساخته شد و در یک حرکت بی‌سابقه فصل چهارم را احمد کاوری ساخت. این تنها تغییر مهم سریال نبود و روزبه حصاری، بازیگر نقش جواد جوادی در فصل سوم به دلیل آنچه «عدم توافق مالی و درخواست‌های خارج از عرف» گفته شد جای خودش را به محمدرضا رهبری داد تا اتفاق عجیب دیگری این سریال هم رخ دهد. تغییر بازیگران یک نقش، پیش از این هم در سریال‌های ایرانی پیش آمده بود که دلیل اصلی‌اش،

فوت بازیگر اصلی بود و پس از آن جابه‌جایی‌هایی صورت می‌گرفت. بچه مهندس ۴ با این دو تغییر بزرگ و با توجه به زمان اندک ساخته و پخش شد. سریالی که در راستای سیاست‌های تازه شبکه دو سیما و در ادامه مسیر سه فصل قبلی قرار است امید و اعتمادبه‌نفس نوجوانان و جوانان ایرانی را تقویت کند و بیشتر روی شعار «ما می‌توانیم» مانور می‌دهد. قسمت‌های بچه مهندس ۴ از نیمه گذشته است و زمان مناسبی برای بررسی سطح کیفی و فنی آن است اما پیش از آن باید نگاه حاکم بر این نوع از سریال‌ها را شناخت. القای ناامیدی و ایجاد آس در بین جامعه و به طور خاص نوجوانان و جوانان از سوی فضای مجازی و حتی حقیقی امر قابل کتمان نیست. پس از چند سال انفعال در برابر این پدیده، بالاخره و در چهار، پنج سال اخیر، برخی از مدیران به این نتیجه رسیدند که باید در برابر این تهاجم مقابله کنند و ساختن سریال‌هایی با موضوع نوجوانان و جوانان و با هدف جذب مخاطب خانواده‌اولویت اصلی آنها

شد. سریال‌هایی مانند «از سرنوشت» و «بچه مهندس» نمونه‌هایی از این تلاش هستند. نوجوانان و جوانانی که شرایط مساعد و مناسبی در کودکی نداشتند و به کمک افراد خیر یا بهزیستی رشد کردند و در این مسیر، موانع و سختی‌های بسیاری را دیدند و تحمل کردند و در نهایت هم به هدف‌شان رسیدند یا در حال رسیدن به اهداف‌شان هستند. این سیاست به‌طور کلی و روی کاغذ حتما تصمیم درستی است اما مثل همیشه شکل اجرا و نوع رویکرد به آن چندان مورد توجه قرار نگرفت. در کشور‌های دیگر و خیلی زودتر فیلم‌ها و سریال‌هایی با موضوع تقویت عرق ملی و تشویق استعدادها ساخته و پخش شد و آنقدر موفق بودند که در سرزمین‌های دیگر هم پخش شدند و عامل انگیزه برای جوان‌های دیگر کشورها هم شدند. آنچه در این سریال‌ها مشترک و وجه غالب بود نگاه دقیق و بدون شعار و همچنین استفاده صحیح از عامل داستانی و درام بود. آنچه که در کارهای داخلی کمتر

دیده می‌شود. بچه مهندس ۴ همانند سه فصل قبلی و با وجود برخی ویژگی‌های مثبت در خلق شخصیت‌های ملموس اما به‌شدت از مشکل فیلمنامه رنج می‌برد. حذف برخی شخصیت‌های قبلی و حضور کاراکترهای تازه منطبق رویایی خاصی ندارد و با توجه به کمبود زمان، هیچ عمقی به آنها داده نشده است. استفاده بیش از حد از شعار و حرف‌های کلیشه‌ای به جای ایجاد حس غرور، مخاطب را عصبی می‌کند یا او را به خنده می‌اندازد. وجود خرده روایت‌های متعدد و همچنین فاصله چند قسمتی بین پرداختن به شخصیت‌های مختلف باعث فاصله گرفتن مخاطب از این سریال و داستان‌هایش می‌شود. گاهی از برخی از شخصیت‌های مهم و اصلی نزدیک به پنج، شش قسمت خبری نمی‌شود و یک‌دفعه و بی‌دلیل سروکله آنها پیدا می‌شود. شاید اگر کاوری این سریال را خودش می‌نوشت یا با داشتن زمان بیشتری آن را تولید می‌کرد با خروجی متفاوت‌تری روبه‌رو بودیم. فارغ از نقش کارگردان، اما شرط اصلی موفقیت این

نوع از مجموعه‌ها، اصلاح نگاه به مساله امید، جوانان و نوجوانان است. چقدر از تصویری که از جوان‌ها و نوجوانان ایرانی در سریال‌ها ارائه می‌شود منطبق بر واقعیت است؟ به تصویر کشیدن جوانانی که تنها مشکل و دغدغه‌شان ازدواج است و بدون توجه به دسته‌بندی طبقات اجتماعی و سبک زندگی‌شان لباس می‌پوشند و حرف می‌زنند و هدف دارند جز گمراه کردن و آدرس غلط دادن چه عایدی دیگری دارد؟ دوره بیانیته خواندن و شعار دادن در سریال‌ها سال‌هاست گذشته اما همچنان هستند مدیرانی که به این شعارها علاقه دارند و هنوز گمان می‌کنند که این حرف‌ها مخاطب هم دارد. بچه مهندس ۴ جدا از تغییر کارگردان، بازیگر شخصیت اصلی و همچنین زمان اندک برای ساخت، اما مشکلات و نقص‌های دیگری هم دارد که بزرگ‌ترین ضعف چشمگیر فیلمنامه و وجود دیالوگ‌های شعاری است. درباره این تغییرات و همچنین شعارزدگی در سریال و مسائل دیگر با احمد کاوری، کارگردان بچه مهندس ۴ هم صحبت شدیم.

گفت‌وگو

گفت‌وگو با احمد کاوری، کارگردان «بچه مهندس ۴»

قرار بود کارگردان موقت باشم اما...

از سال گذشته که بچه مهندس ۳ به پایان رسید معلوم شد که قرار است سری چهارم آن نیز ساخته شود. بچه مهندس اولین سریالی است که فصل‌های مختلفی دارد اما با دو کارگردان. چطور قبول کردید فصل چهارم سریالی که سه فصل آن قبلاً توسط کارگردان دیگری ساخته شده را بسازید؟

من مشغول کاری بودم و علی غفاری (کارگردان سه فصل قبلی بچه مهندس) به‌عنوان یکی از همکاران قدیمی و دوستان خیلی خوب به من زنگ زد که بچه مهندس را می‌خواهم کار کنم ولی یک کاری دارم و طول می‌کشد و اگر می‌شود یک ماه به‌عنوان جایگزین به من کمک کن. من هم روز اول به خاطر ایشان و آقای سعیدی تهیه‌کننده‌ای که سال‌هاست، همدیگر را می‌شناسیم و کارهای مختلفی با هم انجام دادیم پذیرفتم این کار را انجام دهم ولی وقتی وارد شدم کار ایشان طولانی شد و من در عمل انجام‌شده قرار گرفتم و جلو رفتم و این آغاز این همکاری شد.

ابتدا موقت بود و ایشان نتوانستند و شما کار را ادامه دادید؟

بله. ابتدا هم که وارد کار شدم، متوجه شدم قرار است همه را من کار کنم ولی تا قبل از آن صحبت این بود که موقت یک ماهی را جای آقای غفاری باشم و کار ایشان که تمام شد به سرکار برگردد ولی اتفاقات به نحوی رقم خورد که من تا انتها بر سرکار بودم.

چه تغییراتی توسط شما انجام شد؟ آیا تغییر بازیگر نقش جواد جوادی به کار لطمه وارد نکرد؟

بینندگان این کار در سه فصل با این کار همراه شدند و در سه فصل با بازیگر جدید همراه شدند که در ذهن و فکر آنها نشست بود و نسبت به آن شخصیت علاقه‌مند بودند. من در ابتدا راضی نبودم این اتفاق بیفتد. منتها شرایطی ایجاد شد که ما مجبور به تغییر بازیگر شدیم. اینکه نتیجه داده یا نداده به نظر من، الان هم نمی‌توان قضاوت کرد. تا الان تماشاگرانی که با سریال ارتباط داشتند در بازتاب‌ها متوجه شده‌ایم که نتوانسته‌اند با بازیگر جدید همراه شوند. الان مخاطبان با این بازیگر به‌عنوان شخصی که جدید آمده و این را کار می‌کنند، کنار آمدند و جایگاهی پیدا کرده که مخاطب همراهش شده است ولی اینکه تا الان بخواهیم مقایسه کنیم به نظر من دیگران بعد از اتمام کار می‌توانند مقایسه کنند که این تغییر به کار لطمه وارد کرده یا خیر.

در فیلمنامه چه تغییراتی ایجاد شد؟ فیلمنامه‌ای که غفاری داشت را کار کردید یا آن را تغییر دادید؟ وقتی می‌خواهید کاری را انجام دهید براساس سلیقه خود تغییر و تحولاتی در داستان ایجاد می‌کنید. گفت‌وگوهای زیادی با کسانی داشتیم که با این کار بودند چون من همیشه خود را میهمان این کار می‌دانم. سه فصل این سریال ساخته شده و تهیه‌کننده و کارگردان از ابتدا با این قضیه بودند و من خودم را تاحدودی محق می‌دانم در فضای داستان و قصه دخل و تصرف کنم ولی کاملاً مشخص است و از حقوق کارگردان است که باید فضایی را به تصویر بکشد که با آن فضا احساس همدلی و همزادی کند. ما با صحبتی که با آقای وارسته و بقیه دوستان داشتیم تغییراتی را در ساختار ایجاد کردیم و بخشی از قصه را کوتاه کردیم و بخشی از فضاها را تغییر دادیم و این فضای امنیتی و وجود شخصیت ناصر فیض و فضاهایی که ایجاد شده و حتی فضای کمیکی که ایجاد شده نتیجه آن صحبت‌ها و مراوده‌هایی است که با نویسنده‌ها داشتیم.

دیالوگ‌ها در برخی جاها خیلی شعاری به نظر می‌رسد. وفاداری شما به متن باعث شده حذف نشوند؟ کل سریال از فصل اول درباره امیدواری است و اینکه می‌توانیم ولی از یک جایی یکسری دیالوگ‌ها نصیحت می‌کند یا شعار می‌دهد. کاری نکردید که تعداد این دیالوگ‌ها کم شود؟ به نظر نمی‌رسد جاهایی در قصه وجود داشته باشد که بخواهیم شعاری بدهیم یا نصیحتی شود. معمولاً در همه ساختارهای سریال‌های ایرانی و خارجی این وجود دارد و بستگی به لحنی دارد که بازیگر می‌گوید و بستگی به موقعیتی دارد که جمله در آن بیان می‌شود که از فضای قصه بیرون نرزد یعنی ساختار کار امیدبخشی است یعنی با هدف امید دادن به جوانان و نمایش یکسری پیشرفت‌ها کار شده و اینکه جوانان می‌توانند کارهای خاصی را انجام دهند که تا قبل از این ما شاید بدان فکر نکردیم یا توانایی انجام آن را نداشتیم. یعنی هدف و رویکرد کار این است و نمی‌توانیم این را از کار جدا کنیم. همچنان که قصه اصلی ما که هسته مرکزی این قصه را شکل می‌دهد. به‌سامان رسیدن و پیشرفت پسری است که در یتیم‌خانه بزرگ شده و آن امیدبخشی به نظر من جواب می‌دهد و خیلی از آدم‌ها با این افراد ارتباط برقرار کردند. فرهنگ‌سازی که در این امر صورت گرفته جزء اهداف سریال‌سازی است و نمی‌توان اینها را از هم جدا کرد. البته ممکن است یک جایی دیالوگ به این

شکل بوده که از فضای متن و شخصیت بیرون زده و اینها چیزهایی است که ممکن است هم به متن برگردد و هم به اجرایی که من داشتم برمی‌گردد یا بازیگر توانایی لازم بیان را نداشته یا به نوعی جرح و تعدیل نکردیم که بیرون نرزد. ولی من چیز بدی که پس بزند مخصوصاً در این فصل ۴ متوجه نشدم و اگر متوجه می‌شدم فکری برای آن می‌کردم.

فکر می‌کنم خیلی جواد جوادی داشته باشیم که ما به آنها نپرداختیم. شاید این قطره‌ای از یک دریا باشد. اگر نگاه را دقیق‌تر به جامعه معطوف کنیم می‌توان خیلی از این جوانان را پیدا کرد که با این شرایط کار کردند، رشد کردند و توانستند به موقعیت و موفقیتی برسند

می‌رود و موانعی که در این راه دارد. ما موانع شدیدی را در فضای فیلمنامه و سریال در این دو قصه جلو بردیم. اینها خرده داستان‌هایی است که سریال این فضا را به ما نمی‌داد که بخواهیم خیلی بیشتر و عمیق‌تر و دقیق‌تر بیان کنیم. از بازخوردهایی که دیدم تماشای هم به همین اندازه قناعت دارد و برای او جذاب است و به نظرم با این فضا کنار آمده است.

یعنی خط اصلی داستان یک داستان عاشقانه است که بحث امید و موانع سوار بر آن شده است؟

خیر. یک داستان عاشقانه است و در کنارش شخصیت‌های اصلی درگیر مسائلی می‌شوند تا به هدف خود برسند. هم فضای عاطفی دارد و هم فضای کاری دارد. در دانشگاه ارتباط منصوره و رفیعی و... باید از دید خرده قصه نگاه شود. باید این به نتیجه‌ای برسد و تمام شود که فرصت داشته باشیم تا به قصه اصلی بیشتر بپردازیم.

ورود نیروهای امنیتی و حضور نیروهای این چنینی پیشنهاد شما بود؟

خیر. این از کار قبلی ما بود.

خودتان می‌خواستید ادامه پیدا کند؟

جزء ساختار قصه بود. در ساختار کلی قصه دست نبردم. روی جزئیات و اینکه تقویت شود و... کار کردیم ولی شالوده قصه را به هم نریختیم. نه فرصت این کار بود و نه زمان داشتیم. زمانی که وارد پروژه شدم ۱۰ روز بعد کلید زدیم. در این ۱۰ روز لایه‌لای فیلمبرداری توانستیم قصه را تغییر



دهیم یا به مشورت بگذاریم که به این شکلی که الان می‌بینید، دربیاید.

قصه بچه مهندس ۴ چند درصد از مخاطبان را دربرمی‌گیرد؟ یعنی جواد جوادی چقدر دریم و این سریال روایت از زندگی جواد جوادی است که در گذشته بوده یا به جوانان بگوییم که جواد جوادی بشوید؟

فکر می‌کنم خیلی جواد جوادی داشته باشیم که ما به آنها نپرداختیم. شاید این قطره‌ای از یک دریا باشد. اگر نگاه را دقیق‌تر به جامعه معطوف کنیم می‌توان خیلی از این جوانان را پیدا کرد که با این شرایط کار کردند، رشد کردند و توانستند به موقعیت و موفقیتی برسند. اگر اطراف خود را نگاه کنیم، به نسبت، آدم‌های زیادی می‌توان پیدا کرد که نتوانسته‌اند به اهداف خود برسند. هدف این نیست که یک متخصص یا مهندس هوافضا شود. هدف آن چیزی است که فکر می‌کنید دسترسی بدان ساده است یا غیرممکن است ولی با تلاش می‌توانید به آن دست بیابید.

اگر وقت و زمان کافی داشتید بچه مهندس ۴ چه ویژگی‌هایی داشت؟ چه بخش‌هایی را حذف یا چه چیزهایی به آن اضافه می‌کردید؟

شخصیت‌پردازی‌ها، پرداخت آدم‌ها و در اثرگذاری اتفاقات بهتری می‌افتاد ولی من از این خروجی کنونی هم خیلی راضی هستم. امیدوارم تماشاچیان هم با ما همراه باشند و ما را به خاطر زمان کم و شرایطی که ایجاد شد به بزرگواری خود ببخشند و با ما و این کار کنار بیایند.